



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی رویکردهای متنوع معلمان در ارتباط با سبک های مدیریتی کلاس درس

حمیده واعظی^۱، الهام زادعباس^۲، سمیه حقوقی بنیاد^۳، نرجس غلامیان دیزجی^۴

۱- کارشناسی ارشد میکروبیولوژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

۲- کارشناسی زبان خارجه دانشگاه تبریز

۳- کارشناسی مهندسی نرم افزار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

۴- کارشناسی تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

h.vaezi12@gmail.com

چکیده

انتخاب سبک مدیریت کلاس درس که برای معلمان و آموزگاران کارساز باشد بدون شک آزمون و خطا می طلبد. به عنوان رهبر و مدیر کلاس، معلم باید بداند که دانش آموزان به چه چیزی نیاز دارند. موفقیت یک معلم با موفقیت شاگردانش سنجیده می شود. برای موفقیت دانش آموزان، محیط کلاس باید سازماندهی شود و امکان تعامل را فراهم کند و در این زمینه داشتن تعادل کنترل و مشارکت حیاتی است. معلمان به طور بالقوه عوامل مهم اجتماعی شدن برای دانش آموزان خود هستند و ارزش های معلمان اهداف و رفتارهای مطلوب آنها را هدایت می کنند. اهداف و رفتار معلمان نیز تأثیرات اولیه بر انگیزه پیشرفت و یادگیری دانش آموزان است. با تمرکز بر رابطه بین ارزش های شخصی معلمان (یعنی ارزش هایی که معلمان احساس می کنند برای خودشان مهم هستند) و ارزش های اجتماعی شدن (یعنی ارزش هایی که آنها دوست دارند، دانش آموزان از یک سو و سبک های مدیریت کلاسی آنان (سبک های مقتدرانه، مقتدرانه و سهل انگیز) از سوی دیگر امر کلاس داری آنان را هدایت می کند. در سطح جهانی، آموزش برای توسعه فردی و اجتماعی بسیار مهم تلقی می شود. نظم و انضباط دانش آموزان برای ایجاد فضای مناسب کلاس مورد نیاز برای وقوع یادگیری ضروری و حیاتی است. مدیریت کلاس به روش هایی اشاره دارد که در آن مربیان استراتژی ها، مهارت ها و تکنیک های متمرکز را برای اطمینان از یک کلاس درس سازماندهی شده، توجه و آکادمیک مولد، عاری از اختلالات ناشی از رفتار چالش برانگیز اجرا می کنند. با توجه اهمیت موضوع هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رویکردهای مختلف معلمان در ارتباط با سبک های گوناگون مدیریتی کلاس درس می باشد. روش مطالعه در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه ای (مروری) بوده است برای این منظور از مطالب تحقیقات و مقاله های چاپ شده و اطلاعات علمی کتابخانه ای استفاده شده است.

کلمات کلیدی: کلاس درس، مدیریت کلاس درس، سبک های مدیریتی، نظم و انضباط، معلمان.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

مدیریت کلاس به روش هایی اشاره دارد که در آن مربیان استراتژی ها، مهارت ها و تکنیک های متمرکز را برای اطمینان از یک کلاس درس سازماندهی شده، توجه و آکادمیک مولد، عاری از اختلالات ناشی از رفتار چالش برانگیز اجرا می کنند (Davis, 2017). مدیریت کلاس درس مهارتی حیاتی برای معلمان است که باید به آن تسلط پیدا کنند و مستلزم آمادگی خاص، مستقیم و هدفمند است.

کلاس های درس محیط های پویایی هستند که در آن مربیان باید تعادل ظریف تشویق، چالش و مشارکت دانش آموز را حفظ کنند. حیاتی ترین جنبه نقش معلم آموزش همه دانش آموزان برای رسیدن به حداکثر پتانسیل و تجربه موفقیت در محیطی امن و راحت است. بسیاری از آماده سازی معلم شامل آموزش، دانش محتوا و روش ها می شود. با این حال، بدون مخاطبان پذیرا، همه اینها بیهوده است. مدیریت کلاس درس مسلماً مهمترین عنصر برای یادگیری و پیشرفت است زیرا یک محیط هماهنگ را تقویت می کند و در دسترس بودن دانش آموزان را برای یادگیری تسهیل می شود. که یک کلاس درس با مدیریت مؤثر تأثیرات مثبت و مستقیمی بر رشد عاطفی و شناختی کودکان و همچنین کاهش مشکلات رفتاری دارد. ذکر این نکته ضروری است که معلمان نمی توانند دانش آموزان را کنترل کنند، اما می توانند محیط های کلاسی ایجاد کنند که تصمیم گیری مثبت و رفتارهای اجتماعی را تشویق کند.

مدیریت کلاس درس معاصر ریشه های محکمی در رفتارگرایی دارد و عناصر اساسی آن به چندین نظریه پرداز مرتبط است. یافته های نظریه پردازان برجسته ای مانند: اسکینر، ویلیام و... به طور گسترده ای به عنوان پایه و اساس مدیریت کلاس درس معاصر شناخته شده است. اگرچه هر یک از این نظریه پردازان به وفور کمک کردند. از ایده هایی که می توان در توسعه مدیریت کلاس درس استفاده کرد،

بسیاری از کارهای اولیه در رفتارگرایی و یادگیری انسانی در چارچوب مدارس انجام نشد، بلکه در محیط های آزمایشگاهی کنترل شده انجام شد. اسکینر، یکی از برجسته ترین روانشناسان قرن بیستم و به عنوان پدر شرطی سازی عامل و مبدع رفتار کاربردی شناخته می شود. بنابراین مدارس نهادهای اجتماعی برنامه ریزی شده ای هستند که به عنوان ابزار جامعه برای آموزش و یادگیری عمل می کنند. برای فعالیتهای آموزشی و یادگیری مؤثر، کودکان به سطوح مختلف ابتدایی گروه بندی می شوند که معلمان در هر سطح تعیین می شوند. در هر سطح، کلاس های درس وجود دارد. مدرسه یک سیستم باز با یک کلاس درس به عنوان زیرسیستم متشکل از معلم، دانش آموزان و برنامه درسی است که در محیط فیزیکی تعامل دارند. از طریق تعامل کیفی بین معلم و دانش آموز از یک سو و تعامل بین دانش آموزان از سوی دیگر است که محیط کلاسی مثبت ایجاد می شود و تدریس و یادگیری مؤثر حاصل می شود. بنابراین، بدون نظم و انضباط دانش آموزان نمی توان به محیط یادگیری مثبت دست یافت.

(Ikediugwu, 2005). نظم و انضباط دانش آموزان برای ایجاد فضای مناسب کلاس مورد نیاز برای وقوع یادگیری ضروری و حیاتی است. در راستای این دیدگاه متخصصان آموزشی مشاهده کردند که نظم و انضباط در مدرسه نقش حیاتی در دستیابی به انتظارات و اهداف دارد. نظم و انضباط به عنوان آمادگی یا توانایی برای احترام به اقتدار و رعایت قوانین متعارف یا ثابت جامعه یا هر سازمان تعریف می شود (Gable et al, 2009). نظم و انضباط را به عنوان آموزشی که خودکنترلی، شخصیت، نظم و کارایی را توسعه می دهد، درک می کند. همچنین نظم و انضباط به معنای رفتار یک فرد است که از طریق آموزش در کنترل خود و در عادت به استانداردهای مورد تایید اجتماعی افکار و عمل نشان داده می شود (Nakpodia, 2010).

در رابطه با دیدگاه اولبگوم، بنابراین نظم و انضباط توانایی دانش آموزان برای احترام به اقتدار و رعایت قراردادهای و قوانین و مقررات تعیین شده حاکم بر کلاس یا مدرسه است. این به معنی احترام دانش آموزان به معلمان، توجه در کلاس، تعامل صلح



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آمیز کلاس، درگیر شدن در فعالیت های یادگیری و موارد دیگر است. در یک کلاس درس منظم، از زمان آموزشی به طور موثر استفاده می شود و همه فرصت ها برای یادگیری به حداکثر می رسد. معلم برای تمام این سطوح از تعاملات درون کلاس درس پاسخگو است تا نظم و انضباط لازم برای ورود به اجتماع را به دست آورد. زیرا معلم در مرکز اجرای برنامه درسی قرار دارد. (Owodunni, 2010) این دیدگاه را تأیید کرد زمانی که اشاره کرد که این مسئولیت معلم است که رفتار مطلوب را در دانش آموزان ایجاد کند و همچنین به دانش آموزان کمک کند تا یک کد رفتار برای خود ایجاد کنند. این امر از طریق سبک مدیریت کلاس درس وی به دست می آید. مدیریت کلاس درس توسط بسیاری از محققان متفاوت دیده شده است. مدیریت کلاس درس مستلزم ایجاد و حفظ محیط کلاس درس می دانند تا بتوان به اهداف آموزشی دست یافت.

آموزش و یادگیری فقط می تواند در یک فضای کلاس درس مساعد انجام شود. انتظار می رود که معلمان از سبک های مدیریت کلاس درس مناسب استفاده کنند تا از تحقق این نوع محیط اطمینان حاصل شود. با این حال، به نظر می رسد بدتر شدن قابل توجهی در رفتار دانش آموزان در مدارس ابتدایی وجود دارد. در ایالت آنامبرا، مشکلات انضباطی در کلاس ظاهر می شود و وقفه های تدریس کلاس همچنان افزایش می یابد. اینها شامل صحبت کردن در زمانی که نباید صحبت کرد، پرتاب کردن وسایل در طول دوره درس، خیره شدن از پنجره به بیرون و دست دادن برای دیگران و غیره است. رویدادهای مخفیانه تر مربوط به اختلالات، مواردی هستند که شامل رفتارهای خشونت آمیز می شوند، به ویژه زمانی که این موارد شامل استفاده از سلاح های تهاجمی، فعالیت های فرقه مخفی و همچنین حملات شخصی به معلمان می شود. برخی از این تخلفات ریشه در رفتارهای بی انضباطی کلاس درس دارند. موارد بی انضباطی بر دانش آموزان، معلمان، والدین و سایر ذینفعان آموزش و پرورش تأثیر می گذارد و در صورت عدم رسیدگی، ممکن است منجر به بی قانونی در مدرسه و جامعه شود. با توجه به این واقعیت، پژوهشگران انجام مطالعه ای در مورد رابطه بین سبک های مدیریت کلاس درس معلمان و نظم و انضباط دانش آموزان را ضروری دانستند.

کلاس درس

به محیط و فضای رسمی که معمولاً در داخل مدارس یا آموزشگاه ای معتبر علمی برای انتقال دانش و کسب دانش گفته می شود. از لوازم اصلی آن وجود داشتن فردی دارای سطح علمی بالاتر از فراگیران جهت انتقال مطالب آموزشی به فراگیران، و وجود شخصی که امر تعلیم و تربیت برای او صورت میگیرد، همین وجود محیطی مناسب برای اجرای امر تدریس که ممکن است یا به صورت فیزیکی و دارای ساختار و چهارچوب و در پنجره و .. باشد و یا ممکن است به صورت الکترونیکی و از طریق اینترنت و لوازم الکترونیکی شخصی مثل رایانه و لپ تاپ شخصی و از طریق وبکم باشد. بدون حضور داشتن این موارد امر یاددهی و یادگیری صورت نخواهد گرفت. و یا به عبارتی کلاس های درس محیط های پویایی هستند که در آن مربیان باید تعادل ظریف تشویق، چالش و مشارکت دانش آموز را حفظ کنند. حیاتی ترین جنبه نقش معلم آموزش همه دانش آموزان برای رسیدن به حداکثر پتانسیل و تجربه موفقیت در محیطی امن و راحت است. بسیاری از آماده سازی معلم شامل آموزش، دانش محتوا و روش ها می شود. با این حال، بدون مخاطبان پذیرا، همه اینها بیهوده است. مدیریت کلاس درس مسلماً مهمترین عنصر برای یادگیری و پیشرفت است زیرا یک محیط هماهنگ را تقویت می کند و در دسترس بودن دانش آموزان را برای یادگیری تسهیل می کند. یک کلاس درس با مدیریت مؤثر تأثیرات مثبت و مستقیمی بر رشد عاطفی و شناختی کودکان و همچنین کاهش مشکلات رفتاری دارد. ذکر این نکته ضروری است که معلمان نمی توانند دانش آموزان را کنترل کنند، اما می توانند محیط های کلاسی ایجاد کنند که تصمیم گیری مثبت و رفتارهای اجتماعی را تشویق کند.

مدیریت کلاس درس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مدیریت کلاس درس به روش هایی اشاره دارد که در آن مربیان استراتژی ها، مهارت ها و تکنیک های متمرکز را برای اطمینان از یک کلاس درس سازماندهی شده، توجه و آکادمیک مولد، عاری از اختلالات ناشی از رفتار چالش برانگیز اجرا می کنند (Davis, 2017). مدیریت کلاس درس مهارتی حیاتی برای معلمان است که باید به آن تسلط پیدا کنند و مستلزم آمادگی خاص، مستقیم و هدفمند است.

مدیریت کلاس درس معاصر ریشه های محکمی در رفتارگرایی دارد و عناصر اساسی آن به چندین نظریه پرداز مرتبط است. یافته های نظریه پردازان برجسته ای مانند اسکینر، ویلیام و... به طور گسترده ای به عنوان پایه و اساس مدیریت کلاس درس معاصر شناخته شده است. اگرچه هر یک از این نظریه پردازان به وفور کمک کردند. از ایده هایی که می توان در توسعه مدیریت کلاس درس استفاده کرد، بسیاری از کارهای اولیه در رفتارگرایی و یادگیری انسانی در چارچوب مدارس انجام نشد، بلکه در محیط های آزمایشگاهی کنترل شده انجام شد. اسکینر، یکی از برجسته ترین روانشناسان قرن بیستم و به عنوان پدر شرطی سازی عامل و مبدع رفتار کاربردی شناخته می شود.

مدیریت کلاس درس مستلزم ایجاد و حفظ محیط کلاس درس می دانند تا بتوان به اهداف آموزشی دست یافت. از نظر (Strøm et al, 2013) مدیریت کلاس درس فرآیند اداره کلاس درس از طریق رویه ها، قوانین و خط مشی ها است. او افزود که شامل کنترل و تنبیه دانش آموزان برای اطمینان از آموزش و یادگیری مؤثر است. (Nwankwo, 2014) مفهوم گسترده تری از مدیریت کلاس درس به عنوان روش ها، تکنیک ها، اقدامات یا برنامه هایی داشت که معلمان برای اطمینان از محیط یادگیری مثبت و بهترین رفتار دانش آموزان وارد کلاس می کنند. تعریف مدیریت کلاس درس ارائه شده توسط (Nwankwo, 2014) نشان می دهد که معلمان باید از تکنیک ها، روش ها یا سبک های مختلف برای مدیریت کلاس استفاده کنند تا از محیط یادگیری مثبت اطمینان حاصل کنند و رفتار مناسب را از دانش آموزان ایجاد کنند.

نظم و انضباط در راستای این دیدگاه متخصصان آموزشی بیان می کنند که نظم و انضباط در مدرسه نقش حیاتی در دستیابی به انتظارات و اهداف دارد. نظم و انضباط به عنوان آمادگی یا توانایی برای احترام به اقتدار و رعایت قوانین متعارف یا ثابت جامعه یا هر سازمان تعریف می شود (Gable et al, 2009). نظم و انضباط را به عنوان آموزشی که خودکنترلی، شخصیت، نظم و کارایی را توسعه می دهد، درک می کند. نظم و انضباط به معنای رفتار یک فرد است که از طریق آموزش در کنترل خود و در عادت به استانداردهای مورد تایید اجتماعی افکار و عمل نشان داده می شود (Nakpodia, 2010). در رابطه با دیدگاه اوبلگوم بنابراین نظم و انضباط توانایی دانش آموزان برای احترام به اقتدار و رعایت قراردادهای و قوانین و مقررات تعیین شده حاکم بر کلاس یا مدرسه است. این به معنی احترام دانش آموزان به معلمان، توجه در کلاس، تعامل صلح آمیز کلاس، درگیر شدن در فعالیت های یادگیری و موارد دیگر است. در یک کلاس درس منظم، از زمان آموزشی به طور مؤثر استفاده می شود و همه فرصت ها برای یادگیری به حداکثر می رسد. معلم برای تمام این سطوح از تعاملات درون کلاس درس پاسخگو است تا نظم و انضباط لازم برای دانشگاه را به دست آورد. زیرا معلم در مرکز اجرای برنامه درسی قرار دارد. (Owodunni, 2010) این دیدگاه را تأیید کرد زمانی که اشاره کرد که این مسئولیت معلم است که رفتار مطلوب را در دانش آموزان ایجاد کند و همچنین به دانش آموزان کمک کند تا یک کد رفتار برای خود ایجاد کنند. این امر از طریق سبک مدیریت کلاس درس وی به دست می آید. مدیریت کلاس درس توسط بسیاری از محققان متفاوت دیده شده است. همانطور که توسط (Good, 2015) مشاهده شد، سبک های مدیریت کلاس درس معلمان بر سایر عوامل تعیین کننده فرآیند یادگیری مانند نظم و انضباط دانش آموزان تأثیر می گذارد. در واقع، سبک مدیریت ناکارآمد کلاس درس می تواند منجر به شرایط جدی بی انضباطی و در نتیجه تأثیر منفی بر محیط یادگیری کلاس شود. اگرچه تعدادی از سبک های مدیریت کلاس درس وجود دارد، برخی از معلمان کلاس گزارش کردند که در انتخاب سبک مناسب برای ایجاد جو مثبت کلاس درس برای یادگیری مشکل داشتند (Good, 2015). شاید یکی از دلایل افزایش موارد بی انضباطی در بین دانش آموزان همین باشد. محققان معتقدند که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

«انضباط در مدارس از خسوف گسترده می گذرد». بی انضباطی می تواند معایب گسترده ای هم بر زندگی تحصیلی و هم بر زندگی اجتماعی دانش آموزان داشته باشد. به عنوان مثال بر تمرکز دانش آموزان، عملکرد تحصیلی و در درازمدت بر توسعه ملی تأثیر بگذارد. بی انضباطی در مدرسه آن را در معرض رذایل اجتماعی مانند دزدی، سرقت مسلحانه، خرابکاری، فرقه گرایی، فحشا، تخلفات امتحانی، عدم صداقت، نافرمانی، قاچاق مواد مخدر قرار می دهد.

در میان دیگران به این امر پی برد که بی انضباطی در کلاس درس و محیط مدرسه به اشکال تاخیر در کلاس، تقلب، قلدری، گستاخی، انجام ندادن تکالیف کلاس، نافرمانی، پرخاشگری آشکار می شود. غذا خوردن در کلاس، خوابیدن در کلاس، آسیب به وسایل و امکانات مدرسه، ایجاد سر و صدا، عدم اطاعت از فرماندار، عادات لباس پوشیدن نامرتب و هر عمل دیگری که بتواند فعالیت کلاس را مختل کند. بی انضباطی در مدارس و کلاس های درس می تواند تا حدی با عوامل مرتبط با معلم مرتبط باشد. برخی از محققان الگوبرداری معلمان از رفتارهای نادرست و مدیریت ضعیف آموزشی در کلاس را به عنوان دلیل اصلی بی انضباطی دانش آموزان شناسایی کردند، برخی دیگر بی انضباطی دانش آموزان را با استفاده معلمان از کلاس های نامناسب مرتبط دانستند.

سبک مدیریت اتاق خواب، یکی سبک های مؤثر مدیریت کلاس درس به طور قابل توجهی به نظم و انضباط دانش آموزان کمک می کند، در حالی که سبک غیر مؤثر منجر به بی انضباطی می شود. با توجه به موارد رو به رشد بی انضباطی و پیامدهای منفی بی انضباطی، نیاز به تعیین میزان ارتباط سبک های مدیریت کلاس درس معلمان مدارس ابتدایی با نظم و انضباط دانش آموزان در مدارس ابتدایی وجود دارد.

سبک های مدیریت کلاس درس

طبق نظر (Burden, 2000) سبک مدیریت کلاس تکنیکی است که معلمان برای حفظ کنترل در کلاس استفاده می کنند. ادبیات مملو از سبک های مختلف مدیریت کلاس درس است. معلمان سبک های مدیریت کلاس درس متفاوتی در اختیار دارند. به عنوان مثال، وی سه سبک مدیریت کلاس را شناسایی کرد که عبارتند از:

الف) خودکامه

ب) دموکراتیک

پ) لایسر

در حالی که دانبار چهار سبک را برشمرده است. مقتدر، اقتدارگرا، بی تفاوت و بی تفاوت. اخیراً، چهار سبک را شناسایی کرده است. که عبارتند از:

الف) سبک های مدیریت کلاس درس سنتی،

ب) دموکراتیک،

پ) خودکامه

ت) فراغت.

سبک مدیریت دموکراتیک با مشارکت بیشتر دانش آموزان به عنوان سبک مثبت تلقی می شود، در حالی که سبک آرام و بی پروا به آزادی بیش از حد به دانش آموزان معروف است. این ممکن است در جایی که دانش آموزان بالغ نشده اند مضر باشد. استفاده از سبک مدیریت خودکامه کلاس درس با اعمال کنترل قوی معلمان بر دانش آموزان و تصمیم گیری توسط معلم در حالی که دانش آموزان عمدتاً منفعل هستند مشخص می شود. در حالی که این رویکرد برای انجام وظایف کمی کوتاه مدت مفید در نظر گرفته شد، برای کیفیت و عملکرد بلند مدت مضر است. سبک مدیریت کلاس که توسط معلم کلاس در نظر گرفته می شود



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اغلب نحوه رفتار دانش آموزان را تعیین می کند. همانطور که توسط (Onyali, 2014) مشاهده شد، مدیران کلاس درس موثر زندگی منظم و محیط های امنی را ایجاد می کنند که در آن دانش آموزان احساس ارزشمندی و راحتی کنند، بنابراین، زمینه را برای آموزش و یادگیری فراهم می کنند. درمیان سبک های مدیریت کلاس درس پیشگامانی وجود دارند که نظریات آنان در خصوص امر کلاسداری به کمک معلمان آمده است. که در زیر به طور گسترده مورد بحث واقع می شوند.

سبک مدیریتی بی اف اسکینر

کتاب اصلی اسکینر رفتار ارگانیسم ها: یک تحلیل تجربی زمینه را برای آنچه که قرار بود به برخی از تأثیرگذارترین پیشرفت ها در روانشناسی تبدیل شود، ایجاد کرد. تجزیه و تحلیل رفتار کاربردی بر اساس اصول شرطی سازی عامل اسکینر استوار شد، که پیشنهاد می کند که پیامدهای اعمال ممکن است رفتار را تقویت یا تضعیف کند مجموعه کارهای اسکینر به دنبال پر کردن شکاف های برجای مانده از افزایش روانشناسی رفتاری بود، یعنی موج شرطی سازی کلاسیک یا پاسخگو که در اوایل قرن بیستم حاکم بود. به طور خلاصه، شرطی سازی کلاسیک بر رفتارهای پاسخ دهنده یا رفتارهای انعکاسی (مانند ترشح بزاق هنگام دیدن یا بوییدن غذا)، برانگیخته شدن توسط سوابق یا محرک هایی که بلافاصله قبل از آنها ایجاد می شوند، تمرکز می کند. فیزیولوژیست روسی ایوان پاولوف مسئول بیشتر کارهای اولیه در زمینه تهویه کلاسیک بود و بیشتر به خاطر مطالعه اش در مورد بررسی هضم غذا در سگ ها شناخته شده است. پاولوف فرض کرد که سگ ها در پاسخ به غذایی که جلوی آنها گذاشته می شود، بزاق ترشح می کنند. با این حال، او متوجه شد که سگ ها شروع به ترشح بزاق کردند فقط شنیدن صدای پای کسی که غذا را تحویل می دهد. او در ادامه شرطی سازی کلاسیک را به عنوان روشی توصیف کرد که در آن یک محرک غیرشرطی (غذا) همراه با یک محرک خنثی (زنگ) می تواند یک پاسخ شرطی (بزاق) ایجاد کند. برای روشن شدن، یک محرک بدون قید و شرط محرکی است که بدون قید و شرط، یا به طور خودکار، یک پاسخ یا رفلکس را تحریک می کند. به اینها به عنوان محرک هایی فکر کنید که این کار را نمی کنند. نیاز به یادگیری قبلی دارند، مانند گشاد شدن مردمک چشم، تکان دادن دست از روی سطح داغ، یا نفس کشیدن هنگام خرد کردن انگشت پا. محرک خنثی محرکی است که به سادگی برای یادگیرنده خنثی باشد. ذاتاً پاسخی ایجاد نمی کند. نمونه هایی از محرک های خنثی می تواند صدا یا لحن باشد. پاسخ شرطی ممکن است به عنوان یک رفلکس آموخته شده در نظر گرفته شود. با هم، شرطی سازی کلاسیک یا پاسخ دهنده در چارچوب «محرک-پاسخ» در نظر گرفته می شود، که در آن جفت شدن مکرر یک محرک غیرشرطی با یک محرک خنثی منجر به یک پاسخ شرطی می شود. اکثر روانشناسان این دوره احساس می کردند که الگوی محرک-پاسخ به طور کامل پیچیدگی رفتار انسان را در بر نمی گیرد یا رفتارهایی را که هیچ پیشینه آشکاری ندارند توضیح نمی دهد. بنابراین، آنها به دنبال توصیف رفتار خود به خود یا "ارادی" موجودات از طریق شناخت، انگیزه و اراده آزاد بودند. در مقابل، اسکینر این مفهوم را رد کرد که افکار، احساسات و انگیزه های درونی می توانند رفتار را به طور منطقی توضیح دهند. در عوض، او نوع جدیدی از رفتارها را پیشنهاد کرد که به عنوان رفتارهای عامل شناخته می شوند، که نه از پیشینیان یا رویدادهای قبلی، بلکه تحت تأثیر پیامدهای پس از آنها هستند. چنین پیامدهایی احتمال تکرار یک رفتار در آینده را تقویت یا تضعیف می کنند. اگرچه نظریه های اسکینر به طور مستقیم به محیط کلاس درس نمی پردازد، بسیاری از نظریه های بنیادی او در سراسر این کتاب ظاهر می شوند.

سبک مدیریت کلاس درس از نظر ویلیام گلاسر

در میان چندین نظریه پرداز برجسته دیگر که به کلاس درس کمک کرده اند مدیریت، ویلیام گلاسر به دلیل نظریه انتخاب شناخته شده است. نظریه کنترل، گلاسر نظریه انتخاب را توسعه داد، که بیان می کند که هر بخشی از رفتار یک انتخاب است. گلاسر مفهوم تأثیرات بیرونی را رد کرد و اظهار داشت که هیچ کس نمی تواند شخص را وادار به انجام یا احساس کاری کند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این بیشتر به عنوان کنترل داخلی توضیح داده شد: این باور که ما مسئول انتخاب های خود هستیم که از درون می آید. گلاسر معتقد بود که مردم انتخاب می کنند که چگونه محرک ها را درک کنند، اطلاعات را فیلتر کنند و پاسخ دهند، به جای تحت تاثیر قرار گرفتن (Garby, 2013).

گلاسر بر این باور بود که تنها افراد توانایی کنترل رفتارهای خود را دارند و بر اساس نیازها برانگیخته می شوند. نظریه انتخاب گلاسر شامل پنج نیاز اساسی همه مردم بود: آزادی، قدرت، سرگرمی، عشق و تعلق و امنیت. در حالی که گلاسر معتقد بود این نیازها در طول زندگی فرد ثابت هستند، او اذعان داشت که این نیازها ممکن است در طول زندگی فرد تغییر کند. از منظر مدیریت کلاس درس، اصول نظریه گلاسر در مورد انگیزه و کارکردهای رفتار ظاهر می شود تاثیر گذار است.

سبک مدیریت کلاس درس از نظر توماس گوردون

در مقابل، توماس گوردون معتقد بود که تعارضات را می توان از طریق روابط حل کرد. گوردون مانند گلاسر معتقد نبود که پاداش ها، مجازات ها یا پیامدها موثر هستند زیرا انگیزه درونی را افزایش نمی دهند و بر روابط قدرت تکیه می کنند. در عوض، گوردون اظهار داشت که افراد می توانند تعارض را از طریق درگیر شدن در شناسایی مالکیت یک مشکل، گوش دادن فعال، پیام های حل تعارض بدون ضرر حل کنند. گوردون هنگام شناسایی مالکیت یک مشکل، بر این باور بود که شخصی که صاحب احساسات مرتبط با یک مشکل است، مالک مشکل نیز هست. زمانی که کودکان صاحب مشکل بودند، گوردون پیشنهاد کرد که بزرگسالان باید به جای حل مشکل، ابزارهایی را برای حل این مشکلات در اختیار کودکان قرار دهند.

برای آنها (گوردون، ۲۰۰۳). به عنوان مثال، اگر پتی به معلمش بگوید که از مالی متنفر است و معلم از این موضوع ناراحت شود، این مشکل معلم است و باید توسط معلم حل شود. با این حال، اگر پتی ممکن است بعداً همین جمله را به مالی بگوید و مالی شروع به رد کردن پتی کند، این مشکل هم مربوط به پتی و هم مالی است که باید حل شود. گوش دادن فعال به عنوان راهی برای کمک به دانش آموزان در یافتن راه حل پیشنهاد شد. مالکیت مشکل با شنیدن و تصدیق احساسات و عقاید خود. گوش دادن فعال تکنیکی است که شنونده را ترغیب می کند تا برای معنا گوش کند، آنچه را که گوینده می گوید دوباره بیان کند و قضاوت یا نصیحت خود را حفظ کند. علاوه بر این، گوش دادن فعال ممکن است شامل پرسیدن سوالات از گوینده برای شفاف سازی و اطلاعات بیشتر باشد. گوردون با درگیر شدن در این فرآیند معتقد بود که معلمان می توانند این پیام را منتقل کنند که احساسات، نظرات و نگرانی های دانش آموزان مهم است (Hart Barnett, 2018).

هنگام پرداختن به مشکلات، گوردون پیشنهاد کرد که پیام های حل شده باید برای بیان احساسات به گونه ای استفاده شود که به شنونده اجازه دهد بدون ایجاد حالت تدافعی شنونده، احساس گوینده را درک کند. پیام های حل شده شامل یک پیام کوتاه و واقعی است. توصیف مشکل و روشی که مشکل باعث می شود فرد احساس کند که نمونه ای عینی از تأثیر مشکل است. برای مثال، فرض کنید آقای تاتوم که معلم کلاس اول است، از صدای برت در کلاس ناامید شده است. در طول یک مکالمه خصوصی، آقای تاتوم می تواند به برت بگوید: «برت، وقتی در کلاس درس می خوانم، وقتی صدایت می کنی، احساس ناامیدی می کنم، زیرا نمی توانم فعالیت های مهم و سرگرم کننده ای را که برنامه ریزی کرده ام به پایان برسانم». استفاده از پیام حل شده مالکیت مشکل را بر عهده گوینده می گذارد و امکان مکالمات بدون تقابل را فراهم می کند. این نیز مهارتی است که می توان به کودکان آموزش داد زیرا آنها حل مسئله و توسعه مالکیت مشکل را یاد می گیرند. معلمان می توانند از پیام های حل شده به عنوان روشی برای مدل سازی روش هایی برای مقابله با احساسات در کلاس استفاده کنند و احساساتی را که ممکن است در دسترسی به یادگیری تداخل داشته باشند (مانند عصبانیت، ناامیدی یا ناامیدی) را بیان کنند.

گوردون تصدیق کرد که همه مشکلات ممکن است با گوش دادن فعال یا پیام ها حل نشوند، بنابراین مراحلی را برای حل تعارض بدون باخت پیشنهاد کرد (Gordon, 2010). این مراحل شامل تعریف نیازهای کودک و بزرگسال، راه حل های طوفان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فکری، ارزیابی راه حل های ممکن، انتخاب راه حل، اجرای راه حل و بررسی نتایج است. در کلاس درس، این می تواند به شکل یک برنامه عمل یا آزمایش بین معلم و دانش آموز باشد.

سبک مدیریت کلاس درس از نظر لی و مارلین کانتر

در حالی که نظریه ها و ایده های گوردون در ابتدا برای والدین و فرزندان طراحی شده بود، از همان ابتدا، تمرکز لی و مارلین کانتر بر محیط کلاس بود. کانتر و کانتر که بیشتر به خاطر نظم و انضباط قاطعانه معروف بودند، بر محیط های آرام و سازنده تمرکز کردند که در آن معلمان رهبرانی بدون نظم و انضباط خصمانه یا مستبد بودند. آنها معتقد بودند که معلمان مسئول یک محیط پر هرج و مرج یا دلسوز هستند و حق دارند آموزش دهند و از دانش آموزان انتظار رعایت کنند. اگرچه در ابتدا بیشتر بر معلمان به عنوان رهبران قوی متمرکز بود، نظریه آنها به گونه ای تکامل یافته است که اعتماد، روابط، شناخت مثبت و رویکردهای فعالانه برای مدیریت رفتار را شامل می شود. کانتر و کانتر پیشنهاد می کنند که معلمان از چند قانون به وضوح بیان شده استفاده کنید و به طور مداوم آن قوانین را توضیح، تمرین و اجرا کنید. علاوه بر این، آنها پیشنهاد می کنند که پیامدهای مثبت و منفی در سلسله مراتبی از پاسخ ها ایجاد شود که می تواند به طور مداوم در بین دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد. در عین حال، کانتر و کانتر تأکید می کنند که معلمان باید دانش آموزان را در حال انجام رفتارهای مثبت «گرفتار» کنند و انتخاب هایی را که می خواهید بیشتر ببینید.

هنگام توسعه سلسله مراتب رشته، نمونه های سلسله مراتبی خود کانتر و کانتر از هشدارهای شفاهی، وقفه های زمانی، اطلاع رسانی والدین و در نهایت حذف کلاس استفاده می کردند. کانترز اذعان کرد که دانش آموزان ممکن است به یادآوری نیاز داشته باشند، اما نسبت به قرار دادن نام دانش آموزان روی تابلو هشدار دادند، زیرا ممکن است به عنوان ابزاری برای تحقیر دانش آموزان استفاده شود. یادآوری های شفاهی ممکن است شامل درگیر شدن در تکنیک رکورد شکسته باشد، که عبارت است از تکرار یک درخواست برای انطباق بیش از سه بار قبل از تخصیص نتیجه. اگرچه به عنوان یک سلسله مراتب طراحی شده است، دانش آموزان ممکن است فرصت های متعددی برای ایجاد یک تغییر رفتاری در هر سطح متری از پیامدها دریافت کنند. به عنوان مثال، ممکن است به دانش آموز سه اخطار شفاهی قبل از وقفه یا دو تایم اوت قبل از فراخوانی والدین داده شود. کانتر و کانتر سه سبک پاسخ معلم را در رفتار کلاسی شناسایی کردند.

الف) سبک مدیریت غیرمعقول

معلم سبک مدیریت غیرمعقول در برخورد با رفتار دانش آموز رویکردهای ناکارآمدی دارد. معلمانی که بی ادعا هستند عواقب را دنبال نمی کنند، در ایجاد انتظارات و استانداردهای کلاس شکست می خورند، و به طور کلی خود را به عنوان رهبر واضح کلاس معرفی نمی کنند. معلمی که بی ادعا است ممکن است مکرراً به دانش آموز بگوید که صحبت را متوقف کند اما هرگز عواقب رفتار را دنبال نمی کند، یا ممکن است به جای اجرای قوانین، رفتار خود را به دانش آموزان یادآوری کند (به عنوان مثال، جیسون، چرا به صحبت کردن ادامه می دهید؟ می دانید؟ نباید.) کانتر و کانتر، معلمان بی ادعا را مدیران کلاس درس ناکارآمد می دانند.

ب) سبک مدیریت خصمانه

سبک مدیریت خصمانه شامل استفاده از رویکردهای تنفر آمیز برای مدیریت کلاس درس است. این شامل کنایه، تهدید، تحقیر کردن، و فریاد زدن یا فریاد زدن است (مثلاً «ساکت شو و دست به کار شو!»؛ «اگر شما مشکلی دارید، حتماً مشکلی دارید. نمی تواند دستورالعمل ها را دنبال کند.» " معلوم است که والدین شما هیچ آداب و رسومی به شما یاد نداده اند.") این معلمان احساسات یا وقار دانش آموز را در نظر نمی گیرند و در نتیجه به روابط با دانش آموزان آسیب می رسانند. جای تعجب نیست که دانش آموزانی که در کلاس درس تحقیر می شوند یا سرشان فریاد می زند ممکن است در محیط آموزشی احساس امنیت یا امنیت نداشته باشند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(پ)سبک مدیریت قاطعانه

در نهایت کانتر و کانتر سبک مدیریت قاطعانه را شناسایی کردند. این معلمان به طور واضح و آرام قوانین، انتظارات و پیامدهای کلاس را وضع می کنند. انتظار می رود که انتظارات رفتار دنبال شود و بر اساس پایبندی به آن انتظارات، پیامدهای مثبت و منفی به کار گرفته شود. معلمان قاطعانه با دانش آموزان به شیوه‌ای واقعی و تجاری تعامل می کنند که ماهیت توضیحی دارد (به عنوان مثال، «استن، انتظار می رود همه در طول این فعالیت در منطقه تعیین شده خود باقی بمانند.») «اگر می خواهید باید دست خود را بالا ببرید.» یک سوال دارم.)

سبک مدیریت کلاس درس از نظر رودولف دریکورز

همانند پنج نیاز اساسی گلاسر، رودولف دریکورز نیز معتقد بود که رفتارها ریشه یا علت دارند. طبق نظر دریکورز دانش آموزان ممکن است "اهداف اشتباه" داشته باشند. اهداف اشتباه شامل توجه، قدرت، انتقام و درماندگی یا عدم کفایت و رفتار سببی است. دانش آموزی که به دنبال جلب توجه است برای جلب توجه رفتار می کند. دریکورز معتقد بود که این امر به ویژه در این مورد رایج است.

بچه‌های کوچک‌تری که خود را از نظر اجتماعی تثبیت می کردند. دانش آموزان قدرت طلب می خواهند قدرت خود را بر معلمان و اقتدار اعمال کنند و برای اثبات قدرت خود چنین رفتاری را انتخاب می کنند. دریکورز پیشنهاد کرد که این سرپیچی راهی برای کودکان برای تثبیت ارزش و اهمیت خود است. دانش آموزانی که عزت نفس ندارند ممکن است درگیر انتقام شوند. به گفته دریکورز، اساس این رفتار، صدمه زدن به فرد دیگری بود، همانطور که کودک آسیب دیده بود. این رفتارها ممکن است به صورت تهدید، فریاد زدن، صدا زدن، آسیب فیزیکی یا دزدی ظاهر شوند. در نهایت، دانش آموزان ممکن است در درماندگی درگیر شوند یا احساس بی کفایتی خود را ابراز کنند. این دانش آموزان ممکن است احساس تنهایی یا بی کفایتی کنند و به همین دلیل برای منزوی کردن یا اجتناب از کار به این شیوه عمل می کنند. رفتارها پیامدهای منطقی یکی دیگر از ویژگی های کلیدی کار دریکورز بود. پیامدهای منطقی پیامدهایی هستند که مستقیماً با رفتار هدف مرتبط هستند. به عنوان مثال، اگر دانشجو یک مقاله آزمایشگاه علمی را پاره کند و از تکمیل تکلیف خودداری کند، نتیجه منطقی آن این است که دانشجو نمی تواند در آزمایش مربوط به آن تکلیف شرکت کند. قبل از استفاده از پیامدهای منطقی، دریکورز معتقد بود که قوانین باید ایجاد شود و دانش آموزان باید تشویق شوند تا در توسعه این قوانین مشارکت کنند (Kang, ۲۰۱۵).

بحث و نتیجه گیری

که معلمان برای دستیابی به نظم و انضباط دانش آموزان در مدارس سبک های مدیریتی مختلفی را اتخاذ می کنند که عبارتند از: سبک های مدیریت دموکراتیک، خودکامه و آزاد. که در این میان سبک مدیریت دموکراتیک بیشتر توسط معلمان در مدیریت کلاس های درس استفاده می شود. مشکلات انضباطی در مدارس و کلاس‌هایی که معلمان در آن کلاس‌های زنانه را قبول می کنند بیشتر است. علاوه بر این سبک های مدیریتی دیگر نیز وجود دارند که توسط افرادی چون اسکینر که به شرطی سازی رفتار و پیامدهای مثبت آن برای مدیریت کلاس درس اشاره می کند. ویلیام گلاسر به نظریه انتخاب و توانایی کنترل رفتار توسط هر فرد در کلاس درس اشاره دارد و معتقد هست دانش آموزان می توانند رفتار خود را در کلاس درس کنترل کنند. سبک مدیریت کلاس درس از نظر توماس گوردون به این صورت است که دانش آموزان آگاه در کلاس درس دچار مشکل شدند و بی نظمی به وجود آوردند معلمان می توانند با ارائه راه حل مناسب برای حل مشکل آن را رفع نمایند و نظم را بر کلاس درس حاکم کنند. کانتر و کانتر سه سبک پاسخ معلم را در رفتار کلاسی شناسایی کردند. که عبارتند از الف) غیرمعقول که در این سبک ها معلمان عواقب کارای زشت را در کلاس پیگیری نمیکنند ب) خصمانه در این سبک معلمان از رویکردهای



تنفر آمیز و کلمات تهدید کننده برای مدیریت کلاس درس استفاده می کنند پ) سبک قاطعانه معلمان زمانی که از این سبک استفاده می کنند به طور واضح و آرام قوانین، انتظارات و پیامدهای کلاس را وضع می کنند و به صورت قاطعانه با دانش آموزان به شیوه‌ای واقعی و تجاری تعامل می کنند.

منابع

۱. Burden, P. R. (2000). *Powerful classroom management strategies: Motivating students to learn*. Corwin Press.
۲. Davis, J. R. (2017). *From Discipline to Dynamic Pedagogy: A Re-Conceptualization of Classroom Management*. *Berkeley Review of Education*, 6(2), 1۲۹-۱۵۳.
۳. Gable, R. A., Hester, P. H., Rock, M. L., & Hughes, K. G. (2009). Back to basics: Rules, praise, ignoring, and reprimands revisited. *Intervention in School and Clinic*, 4۴(۴), ۱۹۵-۲۰۵.
۴. Gordon, T. (2010). *Teacher effectiveness training: The program proven to help teachers bring out the best in students of all ages*. Crown Archetype.
۵. Garby, L. (2013). Direct bullying: Criminal act or mimicking what has been learned?. *Education*, ۱۳۳(۴), ۴۴۸-۴۵۰.
۶. Good, N. (2015). *Creating a positive emotional climate in an elementary school classroom*.
۷. Hart Barnett, J. (2018). Three evidence-based strategies that support social skills and play among young children with autism spectrum disorders. *Early Childhood Education Journal*, 46(6), 665-6۷۲.
۸. Kang, S. (2016). Inequality and crime revisited: effects of local inequality and economic segregation on crime. *Journal of Population Economics*, 2۹(۲), ۵۹۳-۶۲۶.
۹. Ikediugwu, N. P. (2005). *Who is a real Teacher*. Enugu: Geraldick Concept Printing and Publishinp.
۱۰. Nakpodia, E. D. (2010). Teachers' disciplinary approaches to students' discipline problems in Nigerian secondary schools. *International NGO journal*, 5(6), 144-151.
۱۱. Nwankwo, I. N. (2014). *Learner-centred classroom and instructional management*. Awka: Love-Isaac Consultancy Services, Awka.
۱۲. Owodunni, A. S. (2010). *Improving the quality of Nigerian teachers*.
۱۳. O'Neill, R. E., Albin, R. W., Storey, K., Horner, R. H., & Sprague, J. R. (2014). *Functional assessment and program development*. Cengage Learning.
۱۴. Strøm, I. F., Thoresen, S., Wentzel-Larsen, T., & Dyb, G. (2013). Violence, bullying and academic achievement: A study of 15-year-old adolescents and their school environment. *Child abuse & neglect*, 37(4), 243-۲۵۱.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶